

پژوهش‌نامه‌ی آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان
(علمی-پژوهشی)

سال اول، شماره‌ی دوم، زمستان ۱۳۹۱

بررسی خطاهای فارسی آموزان غیر فارسی‌زبان
در جملات دارای عناصر قطب منفی

ویدا شقاقی

دانشیار زبان‌شناسی - دانشگاه علامه طباطبائی

لیدا جعفروندگیگلو

کارشناس ارشد آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان

چکیده

نفی، دارای صورت‌هایی پیچیده است و به شکل‌هایی گوناگون بیان می‌شود. برخی از جملات، دارای عنصر نفی آشکار هستند، ولی برخی دیگر بدون عنصر نفی آشکار، دارای مفهوم نفی‌اند. عناصر قطب منفی، اصطلاحاتی هستند که برای درست بودن از لحاظ دستوری، نیاز به بافت منفی دارند و معنی آن‌ها با جملات منفی سازگار است و تنها در جملات خاصی کاربرد دارند. یادگیری چنین مقوله‌هایی برای غیر فارسی‌زبانانی که قواعد دستوری زبان مادری‌شان با قواعد دستوری زبان فارسی تفاوت دارد، دشوار است. اگرچه در چند دهه‌ی اخیر، در زمینه‌ی فراگیری زبان دوم، مطالعات بسیاری انجام شده است، مطالعات چندانی در مورد کاربرد عناصر قطب منفی توسط آموزندگان زبان دوم/خارجی صورت نگرفته است. در همین راستا، پژوهش حاضر تلاش می‌کند به بررسی و تحلیل تفاوت‌های میان خطاهای فارسی‌آموزان غیر فارسی‌زبان، در درک یا تولید جملات دارای عناصر قطبی، البته در صورت وجود چنین تفاوت‌هایی، بپردازد. در این پژوهش، پس از آن که ۴۶ فارسی‌آموز بزرگسال، به صورت تصادفی، انتخاب شدند، در دو گروه، مورد آزمون قرار گرفته و به یک پرسش‌نامه پاسخ دادند. سپس خطاهای آنان بررسی شد و مقایسه‌ی گروه‌ها، با توجه به نابرابری انحراف معیار، تفاوت معناداری را میان خطاهای دو گروه نشان داد. میانگین نمرات گروه اول نسبت به گروه دوم، بیشتر و انحراف معیارشان کمتر بود. یافته‌ها حاکی از آن بود که این دو گروه دارای خطاهای متفاوتی هستند.

کلیدواژه‌ها

عناصر قطب منفی، عناصر مطابقت نفی، نفی دوگانه

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۱/۱۱/۲۰

vshaghghi@hotmail.com

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۰۹/۰۸

رایانشانی نویسنده:

۱. مقدمه

عناصر قطب منفی، عناصری هستند که در نحو، معنی‌شناسی و کاربردشناسی مورد مطالعه قرار می‌گیرند. این عناصر، کلمات یا عباراتی هستند که معمولاً در بافت‌های منفی حضور دارند و با انواع ساختارهای نحوی در بافت‌های قطب منفی به کار می‌روند. همچنین، این عناصر باید در جملاتی منفی و دارای نشانه‌ی نفی، به کار گرفته شوند؛ یعنی نشانه‌ی نفی، حضور آن‌ها را مجاز می‌کند (کواک، ۲۰۱۰: ۶۲۵). با این حال باید به این نکته نیز توجه داشت که عناصر قطب منفی در زبان فارسی بر نفی تاکید می‌کنند؛ به عبارت دیگر این عناصر، عناصری زبانی هستند که معنی آن‌ها با جمله‌های منفی سازگاری دارد، اما این بدان معنی نیست که تنها در جملات منفی نمایان می‌شوند. در زبان فارسی عناصر قطبی ذاتاً منفی، علاوه بر جملات منفی در جملات مثبت نیز به کار می‌روند. مانند: "بدون او سفر می‌کنم." و "هیچ‌کس / کسی رو می‌شناسی که دایناسور دیده باشه؟".

کواک اضافه می‌کند که عناصر قطب منفی در زبان‌های مختلف با توجه به ویژگی‌های معنایی‌شان دارای رفتار متفاوتی هستند. این عناصر در بافت‌های منفی، پرسشی، شرطی و بافت‌هایی با فعل‌های ذاتاً منفی به کار می‌روند و در برخی زبان‌ها با پیش‌فعل یا پس‌فعلی همراهند. بعضی از عناصر قطب منفی نیاز به مجازکننده دارند و بعضی دیگر از چنین جوازی بی‌نیازند (همان: ۶۲۴). در زبان فارسی، وجود سورها^۱ و قیده‌های منفی باعث می‌شود که فعل اصلی با پیشوند نفی همراه شود و در صورت وجود فعل کمکی، این پیشوند نفی به فعل کمکی می‌پیوندد. سورها یا کمیت‌نماها و صورت‌های منفی "هیچ‌کس"، "هیچ‌کجا"، "به‌هیچ‌وجه"، "هیچ‌چیز" و "هرگز" در زبان فارسی ذاتاً منفی هستند و در جملات منفی به کار می‌روند. حضور این عناصر در جملات منفی، منفی بودن همزمان فعل اصلی جمله را الزامی می‌سازد و در غیر این صورت، چنین جمله‌ای غیردستوری خواهد بود.

کمیت‌نماها یا سورها مقدار یا تعداد چیزی را به صورت نامعین بیان می‌کنند. این کلمات در کتاب‌های دستور سنتی زبان فارسی، در گروه مبهمات قرار گرفته‌اند و در کتاب‌های دستور جدید، در گروه وابسته‌های پیشین اسم. رایج‌ترین کمیت‌نماهای فارسی عبارتند از: "بعضی"، "چندتا"، "هر"،

¹ quantifiers

"همه‌ی"، "تمام"، "هیچ"، "خیلی" و "بسیار". کلماتی مانند "هرکدام"، "هیچ‌کدام" و "هرکس" را که از ترکیب یک سور با کلمه‌ای دیگر ساخته شده‌اند، سور مرکب^۲ می‌نامند.

مجموعه‌ی "هیچ"، "هرگز"، "هیچ‌کس" و "هیچ‌چیز" عناصر قطب منفی در زبان فارسی را تشکیل می‌دهند که به صورت انواع نفی دو یا چندگانه در قالب جملات منفی دیده می‌شوند. از سوی دیگر وجود قیده‌های نفی "هرگز" و "به‌هیچ‌وجه" و کمیت‌نمایی مانند "هیچ‌چیز"، "هیچ‌یک"، "هیچ‌کس" و "هیچ‌کدام" در جملات منفی زبان فارسی، منفی بودن همزمان فعل اصلی جمله‌ی خبری را ملزم می‌سازد؛ یعنی در صورت حضور کمیت‌نماها یا قیده‌های نفی همراه با فعل مثبت خبری، جمله‌ی حاصل غیردستوری خواهد بود (دبیرمقدم و همکاران، ۱۳۸۴: ۶۳ و ۶۴).

پرسش این تحقیق عبارت است از:

- مشکلات و خطاهای زبان آموزان غیر فارسی زبان در جملات دارای عناصر قطب منفی چه تفاوتی با زبان آموزان فارسی زبان دارد؟

همچنین با توجه به پرسش بالا، فرضیه‌ی زیر مطرح می‌شود:

- مشکلات و خطاهای زبان آموزان غیر فارسی زبان و فارسی زبان در جملات دارای عناصر قطب منفی یکسان هستند.

با توجه به آن چه بیان شد، در این نوشته، در سه بخش، به ارائه‌ی مطالب مورد نظر می‌پردازیم:

- پیش‌زمینه‌ی نظری مطرح شده و ویژگی‌های عنصر قطب منفی "هیچ" در زبان فارسی و شرایط مجاز بودن آن

- بررسی انواع نفی چندگانه بر پایه‌ی توضیحات و ندر وودن (۱۹۹۴ الف؛ نقل از زیلسترا، ۲۰۰۴)

- بررسی و تحلیل آزمون به عمل آمده از دو گروه آزمودنی برای آگاهی از میزان خطاهایشان به طور کلی، عناصر قطبی می‌توانند در هر بخشی از گفتار حضور یابند، و گویشوران هر زبانی جملات خود را با همراهی عناصر قطبی، به صورت مثبت و منفی بیان می‌کنند. عناصر قطب منفی در اکثر زبان‌های دنیا وجود دارند و گاهی می‌توان جمله را تنها با استفاده از یک نشانه به منفی بدل کرد. مانند "او نیامد."^۳، گاهی هم از دو عنصر نفی استفاده می‌شود. مانند جمله‌ی: "او هرگز به سینما نرفته

² compound quantifier

^۳ از این پس با کشیدن خط در زیر نشانه‌های نفی موجود در مقاله، آن‌ها را مشخص خواهیم کرد.

است"، که با دو عنصر نشانه‌ی نفی "ن" متصل به فعل و "هرگز" که عنصر قطب منفی است همراه شده است. گاهی نیز می‌توان عنصر قطب منفی را از جمله حذف کرد که چنین جمله‌ای نیز یک جمله‌ی دستوری خواهد بود. همچنان که در این نمونه‌ها دیدیم، استفاده‌ی بیش از یک صورت نفی در یک بند^۴ را نفی دوگانه^۵ نامیده‌اند (مثال‌های ۱ و ۲).

(۱) من قدرناشناس نیستم.

(۲) من هیچی نخورده‌ام.

گاهی مفهوم جمله، متأثر از جایگاه نشانه‌ی نفی است. به‌عنوان نمونه مفهوم دو جمله‌ی (۳) و (۴) با توجه به تفاوت در جایگاه نشانه‌ی نفی، از نظر نحوی، متفاوت است.

(۳) فکر می‌کنم علی نمی‌آید.

(۴) فکر نمی‌کنم علی بیاد.

برخی زبان‌شناسان نظام تقابلی مثبت/منفی را قطبیت^۶ نامیده‌اند. تمایز دو قطب منفی با مثبت را می‌توان در نحو با استفاده از "ن" صرفی مانند "نشکن" در مقابل "بشکن" و یا در صرف با "نا..." مانند "ناشاد" در مقابل "شاد" و یا واژگانی مانند "بلند" در مقابل "کوتاه" بیان کرد (کریستال، ۲۰۰۳: ۳۷۳).

واسیشت و همکاران (۲۰۰۵: ۱)، کاربرد قید "هرگز" را تنها در برخی از بافت‌های منفی، مثلاً بافتی با حضور "ن"، مجاز می‌دانند و همچنین معتقدند که، قیدهایی مانند "همیشه" و "هرگز" در بافت منفی به‌طور یکسان حضور می‌یابند.

5) a. Nobody ever makes a mistake in the work.

هیچ‌کس هرگز در کار اشتباه نمی‌کند.

b. Nobody always makes a mistake in the work.

هیچ‌کس همیشه در کار اشتباه نمی‌کند.

مقایسه‌ی دو جمله‌ی (5a) و (5b) با معادل فارسی آن‌ها نشان می‌دهد که در زبان فارسی بر خلاف زبان انگلیسی، منفی بودن فعل در هنگام حضور عنصر قطب منفی الزامی است.

⁴ clause

⁵ double negative

⁶ polarity

همان گونه که در مجموعه مثال‌های (۶) می‌بینیم، عدم حضور "ن"، جمله‌ی (6b) را غیر قابل قبول می‌سازد و وجود نشانه‌ی نفی "ن" درونه‌ای در بند موصولی جمله‌ی (6c) نیز آن را اصلاح نمی‌کند.

6) a. Anyone always makes a mistake in the work.

هرکسی همیشه در کار اشتباه می‌کند.

b.* Anyone ever makes a mistake in the work.

* هرکسی هرگز در کار اشتباه می‌کند.^۷

c.* Anyone [who isn't student] ever makes a mistake in the work.

* هرکسی [که دانشجو نیست] هرگز در کار اشتباه می‌کند.

جملات (6b) و (6c) هر دو غیردستوری هستند و در جمله‌ی (6b) نیز، هیچ مجازکننده‌ای برای استفاده از "هرگز" وجود ندارد و با آن که این قید (هرگز) در جمله‌ی (6c)، مجازکننده‌ی نفی حاضر است، ولی به دلیل حضور در درون بند درونه‌ای در دسترس نیست.

شفاقی (۱۳۷۳: ۷ و ۸) بر این باور است که:

«کمیت‌نمایی که در دستور زبان فارسی تحت عناوینی مانند مبهمات، صفات مبهم، ضمائر مبهم و عدد مبهم مطرح شده‌اند، در منطق و معنی‌شناسی به دو گروه "کلی" و "وجودی" تقسیم شده‌اند. کمیت‌نماها گاهی به کمیت خاصی اشاره نمی‌کنند و مرجع معینی ندارند؛ بلکه دارای عنصری با ویژگی‌های مورد نظر گویشور هستند. این نوع کمیت‌نماها را کمیت‌نماهای کلی یا عام می‌نامند. کلماتی مانند "همه"، "تمام"، "کلیه"، "عموم"، "هر"، و "هیچ(ی)" از جمله کمیت‌نماهای کلی در زبان فارسی هستند. کمیت‌نمای وجودی، بر وجود حداقل یک مورد در گروه ارجاع شده دلالت دارد، به طوری که مطلب گفته شده درباره‌ی آن صدق می‌کند. کلماتی مانند "برخی"، "پاره‌ای"، "مقداری"، "قدری"، "کمی"، "اندکی"، "تعدادی"، "معدودی"، "بعضی"، "چند(ین)"، و "خیلی" از کمیت‌نماهای وجودی هستند.»

در زبان انگلیسی، حضور عناصر قطب منفی، منحصر به دامنه‌ی عملگرهای^۸ مشخصی است که مجازکننده‌ی آن‌ها نامیده می‌شود. به‌عنوان نمونه، در مثال‌های (۷)، ever (هرگز) به‌عنوان عنصر قطب منفی با کلماتی چون "هیچ‌یک"، "معدودی/تعدادی" و "حداکثر دو تا از کتاب‌ها" مجاز به حضور می‌باشد (زابولسکی و همکاران، ۲۰۰۸: ۴۱۱). همان‌طور که از معادل فارسی مثال‌های (۷)

^۷ علامت ستاره، نشانه‌ی غیردستوری بودن جمله است.

^۸ operators

برمی‌آید، این ویژگی در جملات خبری زبان فارسی صدق نمی‌کند، ولی نشانه‌ی نفی "ن" نقش مجازکننده را دارد و غیبت آن موجب غیردستوری شدن معادل‌های فارسی جملات (۷) و مثال‌های (۸) می‌شود.

7) a. None of the books have ever been borrowed.

* هیچ‌یک از کتاب‌ها هرگز امانت گرفته شده‌اند.

b. Few of the books have ever been borrowed.

* معدودی از کتاب‌ها هرگز امانت گرفته شده‌اند.

c. At most two of the books have ever been borrowed.

* حداکثر دو تا از کتاب‌ها هرگز امانت گرفته شده‌اند.

۸) الف- همه‌ی کتاب‌ها را هرگز خواندم.

ب- * همه‌ی کتاب‌ها را هرگز خواندم.

پ- هیچ‌یک از کتاب‌ها را هرگز خواندم.

ت- * هیچ‌یک از کتاب‌ها را هرگز خواندم.

ث- بعضی از کتاب‌ها را هرگز خواندم.

ج- * بعضی از کتاب‌ها را هرگز خواندم.

بنابر این نمونه‌ها، در زبان فارسی، مجازکننده یا نشانه‌ی نفی "ن" باعث دستوری بودن حضور "هرگز" می‌شود و به دلیل عدم حضور نشانه‌ی نفی "ن"، نمونه‌های (۸ب، ت و ج) غیردستوری هستند. از سوی دیگر، در زبان فارسی می‌توان از دو عنصر قطب منفی به‌طور همزمان در جمله استفاده کرد؛ به این ترتیب به سبب حضور دو عنصر قطب منفی و یک نشانه‌ی نفی (ن) در جمله‌ی (۸پ) با نفی سه‌گانه سر و کار داریم.

به اعتقاد ماهوتیان می‌توان جمله را با ترکیب عناصر منفی‌ساز و فعل منفی‌شده، منفی کرد. همچنین عناصر منفی‌ساز در آغاز جمله می‌آیند و معمولاً گروه اسمی را می‌توان با آوردن عناصر منفی‌سازی همچون "هیچ" و "بدون" قبل از آن‌ها منفی کرد. با "هیچ"، فعل به صورت منفی آورده می‌شود و در صورت به کار بردن کلمه‌ی "بدون"، مانند جملات (۱۰ و ۱۱)، فعل ممکن است مثبت یا منفی باشد (ماهوتیان، ۱۳۷۸: ۹۱ و ۹۲).

۹) هیچ پول ندارم.

۱۰) بدون آب می‌میرد.

۱۱) بدون تو نمی‌روم.

لازار در این باره می‌گوید: «در جمله‌ی منفی در فارسی "کسی" معادل "هیچ‌کس" و "چیزی" معادل "هیچ‌چیز" است". به‌عنوان نمونه، در جمله‌ی زیر می‌توان به جای "هیچ‌کس" از "کسی" استفاده کرد. به‌علاوه، در عبارات حاوی "هیچ"، تکیه اغلب بر روی "هیچ" قرار می‌گیرد.» (لازار، ۱۳۸۴: ۱۵۲).

۱۲) الف- هیچ‌کس این کار را نکرده.

ب- کسی این کار را نکرده.

۱۳) الف- او هیچ چیزی را دوست ندارد.

ب- او چیزی را دوست ندارد.

۲. انواع نفی و بافت‌های آن

نشانه‌های نفی، کمیت‌نماهای منفی، واژه‌های منفی و نفی چندگانه را می‌توان بر اساس تفاوت‌های نحوی، معنایی و واژگانی از یکدیگر تمیز داد (زیلسترا، ۲۰۰۴: ۳۸).

۱. نشانه‌های نفی که نشانگر نفی‌اند، به‌طور کلی برای توصیف و بیان نفی به کار می‌روند.

۲. کمیت‌نماهای منفی، عناصری منفی هستند که کاربرد آن‌ها منحصر به نفی بندی یا سازه‌ای نیست؛ بلکه مقید به متغیرهای خاصی در بند یا سازه نیز هستند.

۳. واژه‌های منفی^۹ دسته‌ای از عناصر منفی هستند که با توجه به جایگاهشان در ساختار نحوی، دارای صورت نفی و یا غیرنفی هستند. گاهی تعبیر این‌گونه عناصر نفی همانند تعبیر کمیت‌نمای منفی است؛ گاهی نیز مشابه تعبیر کمیت‌نمای وجودی بدون نفی است. به‌عنوان نمونه در مثال فرانسوی (14a)، *personne* منفی نیست ولی خوانش منفی دارد، اما در (14b)، *rien* منفی است و تعبیر آن کمیت‌نمای وجودی بدون نفی است (همان).

⁹ negative words

14) a. Personne ne mange rien.

N- body neg eats n- thing

'Nobody eats anything.'

کسی هیچی نمی‌خورد.

b. Rien n'est fait par personne.

N- thing neg.is done by n- body

'Nothing is done by anybody'

کسی هیچ کاری نکرد.

۴. برخی از عناصر، خوانش منفی محکمی ندارند، اما به وضوح معنای منفی ایجاد می‌کنند. مانند افعال "انکار کردن"، "تنگر داشتن" و "شک داشتن" (مثال ۱۵) و حرف اضافه‌ی "بدون" (مثال ۱۶).

۱۵ الف- من شک دارم که تو هرگز در این استخر شنا نکرده باشی.

ب- من شک دارم که تو هرگز در این استخر شنا کرده باشی.

۱۶ الف- بدون تو نمی‌روم.

ب- بدون تو می‌روم.

۱.۲. نشانه‌های نفی

از نشانه‌های نفی در زبان فارسی می‌توان "نَ" و "مَ" را نام برد که به‌عنوان پیشوند به افعال کمکی و افعال اصلی می‌پیوندند. از این میان، نشانه‌ی نفی "مَ" در فارسی محاوره‌ای اصلاً کاربرد ندارد.

۱۷ مریم دیروز به کلاس نرفت.

۱۸ اکنون به آن جا مرو.

در جملات (۱۹) و (۲۰)، نشانه‌ی نفی باعث منفی شدن جمله می‌شود؛ در حالی که در جمله‌ی

(۲۱) فقط سازه‌ی مجاور خود را منفی می‌سازد.

۱۹ علی کتاب را ورق زد، نخرید.

۲۰ نه من انگلیسی صحبت می‌کنم، نه آن‌ها.

۲۱ من کتاب می‌خوانم، نه مجله.

۲,۲. عنصر قطب منفی به همراه نشانه‌ی نفی

در زبان فارسی، در صورت حضور قیدها و کمیت‌نماهای منفی در جمله، فعل اصلی پیشوند نفی می‌گیرد و در صورت وجود فعل کمکی، پیشوند نفی به فعل کمکی متصل می‌شود.

۲۲) مریم هرگز به مؤسسه‌ی خیریه کمک نکرده است.

۲۳) * مریم هرگز به مؤسسه‌ی خیریه کمک کرده است.

عنصر قطب منفی "هیچ" می‌تواند با نشانه‌های نفی همراه شود؛ همچنان‌که به ترتیب در جملات (۲۴الف) و (۲۴پ) خواهیم دید. در نمونه‌های (۲۴ب) و (۲۴ت)، عناصر قطب منفی به دلیل عدم جواز برای حضور در جمله‌ی فاقد نفی، منجر به تولید جملاتی غیردستوری شده‌اند.

۲۴) الف- علی هیچ‌کس را ندید.

ب- * علی هیچ‌کس را دید.

پ- امید هرگز چیزی ننوشیده است.

ب- * امید هرگز چیزی نوشیده است.

۲۵) الف- *سینا هیچ‌کس را دوست دارد.

ب- سینا هیچ‌کس را دوست ندارد.

پ- * هیچ‌کس سینا را دوست دارد.

دو جمله‌ی (۲۵الف و پ) فاقد نشانه‌ی نفی یعنی مجازکننده‌ی نفی هستند و به دلیل حضور عنصر قطب منفی "هیچ"، غیردستوری نیز محسوب می‌شوند، اما جمله‌ی (۲۵ب) با نشانه‌ی نفی مجاز شده و دستوری به شمار می‌آید؛ بنابراین با توجه به شرایط مجاز بودن عناصر قطب منفی نوع "هیچ" در زبان فارسی، آن‌ها نمی‌توانند در غیاب عناصر نفی، به تنهایی حضور داشته باشند (جملات ۲۶).

۲۶) الف- حسن با هیچ‌کس صحبت نکرد.

ب- * حسن با هیچ‌کس صحبت کرد.

پ- هیچ‌کس با حسن صحبت نکرد.

ت- * هیچ‌کس با حسن صحبت کرد.

متیوز (نقل از کمال‌خالدی، ۱۳۸۶) بر این عقیده است که: «عناصر قطبی منفی، عناصری زبانی هستند که معنی آن‌ها با جمله‌های منفی سازگاری دارد و حضور آن‌ها در جمله‌های مثبت غیرممکن است». مانند کلمه‌ی any در مثال (۲۷). از سوئی گفته‌ی متیوز در مورد زبان فارسی صدق می‌کند. مانند جملات (۲۸) تا (۳۱).

- 27) a. I didn't buy any books.
b. * I bought any books.

(۲۸) الف- مریم هیچ وقت کار نمی‌کند.

ب- * مریم هیچ وقت کار می‌کند.

(۲۹) الف- من از هیچی نمی‌ترسم.

ب- * من از هیچی می‌ترسم.

(۳۰) الف- مطلب را گفتم، اما او چندان خوشش نیامد.

ب- * مطلب را گفتم، اما او چندان خوشش آمد.

(۳۱) الف- حق کسی / هیچ کس را نخورید.

ب- * حق کسی / هیچ کس را بخورید.

۳.۲. کاربرد عناصر قطب منفی و وجه

عناصر قطب منفی با رفتار متفاوتی در وجه‌های اخباری و پرسشی نمایان می‌شوند.

۱.۳.۲. وجه خبری

در جملات خبری، عناصر قطب منفی "هرگز"، "به هیچ وجه"، "مطلقاً" و "هیچ گاه" تنها در جمله‌هایی حضور خواهند داشت که فعل منفی داشته باشند. همچنین جایگاه برخی از قیدها را می‌توان در جمله عوض کرد.

(۳۲) الف- پدرم هرگز حرف مرا قبول نخواهد کرد.

ب- هرگز پدرم حرف مرا قبول نخواهد کرد.

(۳۳) الف- به هیچ وجه (من) به خانه‌ی شما نخواهم آمد.

ب- من به هیچ وجه به خانه‌ی شما نخواهم آمد.

۲.۳.۲. وجه پرسشی

"هرگز" و "هیچ" در جملات خبری تنها با فعل منفی، ولی در جملات پرسشی هم با فعل مثبت و هم با فعل منفی می‌آیند.

۳۴ الف- آیا هیچ کس، شیرینی نخورد؟

ب- آیا هیچ کس، شیرینی خورد؟

۳۵ الف- آیا هرگز این فیلم را ندیده‌ای؟

ب- آیا هرگز این فیلم را دیدهای؟

۲.۴. عناصر ذاتاً منفی

کلماتی مانند "به‌ندرت" و "به‌سختی" از لحاظ صوری منفی نیستند و نشانه‌ی نفی ندارند، اما در جمله‌های مثبت و منفی، معنای منفی به جمله می‌دهند.

۳۶ الف- او به‌ندرت عصبانی نمی‌شود.

ب- او به‌ندرت عصبانی می‌شود.

۳۷ الف- او محال است این کار را نکند.

ب- او محال است این کار را بکند.

۳۸ الف- بعید است او به این جا نیاید.

ب- بعید است او به این جا بیاید.

۳. نفی چندگانه^{۱۰}

وندر وودن (نقل از زیلسترا، ۲۰۰۴: ۵۷ و ۵۸) به معرفی چهار نوع نفی چندگانه می‌پردازد:

۱. **نفی دوگانه:** دو عنصر نفی که یکدیگر را خنثی کرده و مثبت می‌شوند. مانند: قرار نیست که نیاد.

۲. **نفی تضعیف‌کننده^{۱۱}:** یک عنصر نفی که مفهوم نفی را در عنصر نفی دیگر تضعیف می‌کند.

نتیجه‌ی این نوع نفی، معنایی میان یک مثبت و یک منفی است. مانند: علی قدرناشناس نیست.

¹⁰ multiple negation

۳. **مطابقت نفی:** دو یا چند عنصر نفی که بر یک معنی منفی دلالت می‌کنند. مانند: هیچ کس هیچی نگفت. او هرگز به من زنگ نزد.

۴. **نفی تأکیدی:** یک عنصر نفی که بر عنصر نفی دیگری تأکید دارد. گاهی دو عنصر نفی قوی‌تر به جای حضور تنها یک عنصر نفی به کار می‌روند. مانند: دانش‌آموزی در کلاس نیست (هیچ دانش‌آموزی در کلاس نیست).

مطابقت نفی و نفی تأکیدی، دو پدیده و متعلق به یک طبقه‌اند: به نظر می‌رسد هر دو، قانون نفی دوگانه را نقض می‌کنند. با این حال، "نفی تأکیدی" زیرطبقه‌ی "مطابقت نفی" یا عکس آن نیست. این دو نوع نفی، رفتار مشابهی نشان می‌دهند، اما از نظر نحوی و معنایی تفاوت دارند. بیان این نکته الزامی است که ما در این مجال از بحث در مورد نفی تأکیدی به دلیل خارج بودن از حیطه‌ی موضوع مبحث‌مان صرف‌نظر می‌کنیم.

۱.۳. نفی دوگانه

نفی دوگانه به خنثی کردن دو مقوله‌ی نفی در منطق اشاره می‌کند. طبق قاعده‌ی نفی دوگانه^{۱۲}، حاصل دو نفی، مثبت است (زیلسترا، ۲۰۰۴: ۵۸). قاعده‌ی نفی دوگانه از این قرار است:

$$39) \neg (\neg) P = P^{13}$$

۴۰ الف- نکنه فردا مسافرت نریم؟

ب- نمی‌شه غذا نخوری.

پ- در جامعه‌ی پیشرفته‌ی امروزی نمی‌توانی درس نخوانی.

نفی دوگانه در زبان طبیعی بسیار کم کاربرد است، ولی هنوز در زبان ممکن است چنین جملاتی تولید یا تعبیر شوند که با تعاریف عناصر نفی، نیمه‌منفی^{۱۴} نامیده می‌شوند. به‌عنوان نمونه، مثال‌های (۴۱) و (۴۲) جملاتی طبیعی هستند؛ در تعبیر مثال (۴۱) مشکلی ایجاد نمی‌شود، ولی تعبیر مثال‌های (۴۲) دشوار است.

¹¹ weakening negation

¹² Law of Double Negation (LDN)

¹³ نقیض نقیض یک گزاره برابر است با خود آن گزاره.

¹⁴ semi-negative

۴۱) تعداد کمی از مردم حاضر نشدند (بیشتر مردم حاضر شدند).

۴۲) الف- هیچ کس از این فیلم متأثر نخواهد شد.

ب- ما نباید اجازه‌ی هیچ چیزی را بدهیم.

گاهی با افزودن عنصر نفی دیگری به نفی دوگانه، می‌توان نفی سه‌گانه در جمله ایجاد کرد

(مثال‌های ۴۳ تا ۴۵).

۴۳) علی هیچ وقت ناامید نیست.

۴۴) هیچ کس به هیچ وجه کار بیهوده انجام ندهد.

۴۵) ایمان هرگز کار ناشایست نمی‌کند.

۲,۳. نفی تضعیف‌کننده

دومین مقوله‌ی متمایز وندر وودن (۱۹۹۴الف؛ نقل از زیلسترا، ۲۰۰۴: ۵۸). نفی تضعیف‌کننده نامیده می‌شود که بر حضور دو عنصر نفی دلالت دارد. به‌عنوان نمونه خوانش نفی قوی با یک واحد نفی، و نفی تضعیف‌کننده با دو واحد نفی بیان می‌شود (مثال ۴۶).

۴۶) امید نامهربان نیست.

در بافتی که سؤال می‌شود "آیا امید پسر مهربانی است؟"، معنای مثال (۴۶) این است که امید

دشمن نیست، اما مهربان نیز نیست. در واقع، پیش‌فرض مبتنی بر منطق متعارف این است که

"مهربان" یک پیش‌فرض سنجشی است (هورن، ۱۹۸۹؛ نقل از زیلسترا، ۲۰۰۴: ۶۰) و طیفی از "بسیار

نامهربان" تا "بسیار مهربان" را تشکیل می‌دهد.

۴۷) پیوستار پیش‌فرض: "مهربان"

| | | | | |
|----------------|----------|-----------------------|--------|--------------|
| بسیار نامهربان | نامهربان | نه مهربان نه نامهربان | مهربان | بسیار مهربان |
|----------------|----------|-----------------------|--------|--------------|

در پیوستار شماره‌ی (۴۷)، به جز ناحیه‌ی مربوط به واژه‌ی "نامهربان"، چهار ناحیه‌ی دیگر یافت می‌شود که هورن، آن‌ها را نفی متضاد^{۱۵} و نفی انکاری^{۱۶} نام می‌دهد (همان: ۶۰ و ۶۱).

۴۸) الف- امید نامهربان نیست. او ترسناک است.

ب- امید نامهربان نیست. او بسیار مهربان هم نیست.

پ- امید نامهربان نیست. در واقع او بسیار مهربان است.

ت- امید نه مهربان نه نامهربان نیست.

در واقع هر ناحیه‌ای که در پیوستار (۴۷) به وسیله‌ی "نامهربان" مشخص نمی‌شود، با "نه ... نامهربان" درک می‌شود، اما خوانش ناحیه‌های "بسیار مهربان"، "مهربان" و "بسیار نامهربان" می‌تواند بدون استفاده از هر نفی اضافی صورت گیرد و این در حالی است که این موضوع برای ناحیه‌ی میانی "نه مهربان نه نامهربان" امکان‌پذیر نمی‌باشد؛ بنابراین، دلیل دیگری باید وجود داشته باشد که سه خوانش اول در مثال (۴۸) را میسر سازد، اما خوانش چهارم را نمی‌توان به صورت کوتاه‌تری بیان کرد.

۳.۳. مطابقت نفی

عناصر حساس به نفی که بافت‌های نفی حساس نام دارند، به دو گروه زیر تقسیم می‌شوند:

الف- عناصر قطب منفی: هیچ و هرگز.

ب- عناصر مطابقت نفی: هرگز، ابدأ، اصلاً و هیچ (کواک، ۲۰۱۰: ۶۲۷).

بنا به گفته‌ی کواک، تمامی عناصر حساس به نفی در زبان فارسی، خود، عنصر نشانه‌ی نفی ندارند، بلکه همراه با نشانه‌ی نفی به کار می‌روند (همان)؛ بنابراین، جملات (الف) در مثال‌های ۴۹ و ۵۰ که شامل عناصر حساس به نفی و نشانه‌های نفی هستند، همگی جملاتی دستوری‌اند، ولی جملات (ب) در این مثال‌ها غیردستوری هستند.

۴۹) الف- او اصلاً ارزشی برای دیگران قائل نیست.

ب- * او اصلاً ارزشی برای دیگران قائل است.

۵۰) الف- هیچ‌کس با او صحبت نکرد.

ب- * هیچ‌کس با او صحبت کرد.

¹⁵ contradictory negation

¹⁶ denial negation

ولدووی (نقل از کواک، ۲۰۱۰: ۶۲۶) با استفاده از چهار معیار (۵۱ الف- ت) عناصر مطابقت نفی را از عناصر قطب منفی تمیز می‌دهد. معیارهای گفته شده نشان می‌دهند که عناصر مطابقت نفی نمی‌توانند در بافت‌های بدون نفی ظاهر شوند، ولی می‌توانند در موقعیت پیش‌فعلی با کلماتی مثل "تقریباً" و به‌عنوان پاسخ محذوف به کار روند.

(۵۱) الف- در بافت‌های بدون نفی حضور نمی‌یابد.

ب- در جایگاه پیش از فعل به کار می‌رود.

پ- با قید "تقریباً" هم‌آیی دارد.

ت- در پاسخ محذوف به کار می‌رود.

به اعتقاد واتانابه، از آن جا که عناصر مطابقت نفی می‌توانند به‌عنوان پاسخ محذوف یا ناقص^{۱۷} به کار روند و معنای منفی دهند (همان)، عناصر ذاتاً منفی (۵۲) هستند، ولی عناصر قطب منفی نمی‌توانند به‌عنوان پاسخ محذوف و به تنهایی (۵۳) به کار روند؛ پس چنین فرض می‌کنیم که عناصر قطب منفی، معنای منفی با خود ندارند.

52) Q: Ti idhes? (یونانی)

What saw

What did you see?

پرسش: شما چه دیدید؟

A: TIPOTA.

Nothing.

پاسخ: هیچی.

53) Q: What did you see?

پرسش: شما چه دیدید؟

A: *Anything.

پاسخ: * (هر) چیزی.

جیاناکیدو "پرسش (۵۲)" را در "پاسخ (۵۴)" نیز بررسی می‌کند، با این ادعا که اگر عنصر مطابقت نفی به‌عنوان پاسخ محذوف به کار رود، به‌طور ذاتی منفی تفسیر می‌شود و تفسیر نفی از نشانه‌ی نفی حذف‌شده ناشی می‌شود (نقل از کواک، ۲۰۱۰: ۶۲۶ و ۶۲۷).

¹⁷ fragment

54) A': TIPOTA [dhen idha]
Nothing¹⁸ not saw.

پاسخ: هیچی [ندیدم].

با این حال، واتانابه با ادعای جیاناکیدو و تعریف حذف مخالفت می‌کند. در این تعریف، حذف باید مرجع درستی داشته باشد؛ در صورتی که اگر از ادعای او پیروی کنیم، نتیجه‌ای مانند پرسش (۵۵) خواهیم داشت (نقل از کواک، ۲۰۱۰: ۶۲۷).

55) Q: what did you see?

پرسش: شما چه دیدید؟

A: [~~*I didn't~~ see] a snake.

پاسخ: یک مار [~~*من ندیدم~~]

به عبارت دیگر، با پذیرفتن ادعای جیاناکیدو، بخش محذوف "من ندیدم" مرجع درستی ندارد. فرض می‌کنیم مرجع، یک عبارت مثبت باشد؛ بنا بر اظهار واتانابه، بخش محذوف بر منفی بودن^{۱۹} پاسخ محذوف (۵۴) تأثیری نمی‌گذارد؛ بنابراین نتیجه می‌گیریم که عنصر مطابقت نفی، معنایی منفی دارد.

کلمه‌ی "اصلاً" به تنهایی می‌تواند به‌عنوان جواب محذوف در نمونه‌ی (۵۶) استفاده شود؛ یعنی این عبارت، بدون نشانه‌ی نفی می‌تواند معنای منفی داشته باشد. در نتیجه، کلمه‌ی "اصلاً" یک عنصر مطابقت نفی است.

(۵۶) پرسش: درس خوندی؟

جواب: اصلاً (نخوندم).

بنابر این داده‌ها، جملات منفی دارای عناصر مطابقت نفی، عناصری ذاتاً منفی هستند که بدون کمک نشانه‌ی نفی نیز معنای نفی دارند. به عبارت دیگر، عناصر مطابقت نفی شامل مشخصه‌ی [+نفی] هستند.

^{۱۸} بنا به گفته‌ی کواک (۲۰۱۰: ۶۲۷)، "nobody، nothing" و ...، در زبان انگلیسی نمی‌توانند در میان عناصر مطابقت نفی قرار گیرند؛ زیرا با نشانه‌ی نفی استفاده نمی‌شوند. در غیر این صورت، معنی جمله مثبت خواهد بود و این نوع ساختار، نفی دوگانه نامیده می‌شود.

^{۱۹} negativity

به قول کواک، زبانی مثل زبان یونانی دارای هر دو عنصر قطب منفی و مطابقت نفی است. در این زبان، "TIPOTA" به عنوان عنصر مطابقت نفی و "tipota" به عنوان عنصر قطب منفی است که حروف بزرگ در عنصر مطابقت نفی، تأکید را نشان می دهند (کواک، ۲۰۱۰: ۶۲۷). با توجه به توضیحات ارائه شده می توان گفت که زبان فارسی نیز دارای هر دو عنصر قطب منفی و مطابقت نفی است. عناصر قطب منفی به علت حضور در بافت های منفی و یا هر دو بافت مثبت و منفی به دو دسته تقسیم می شوند:

- گروه اول عناصری هستند که منحصراً منفی اند و تنها در بافت منفی حضور می یابند. مانند: "من هیچی نخورده ام." و "علی هیچ کس را ندید."

- گروه دوم، از آن دسته عناصری هستند که هم در بافت منفی و هم در بافت مثبت ظاهر می شوند. مانند این جمله: "بدون تو نمی رم / می رم."

عناصر مطابقت نفی نیز عناصری ذاتاً منفی هستند که مشخصه ی [+نفی] دارند و به تنهایی دارای مفهوم نفی اند، اما تنها در بافت منفی کاربرد دارند. ناگفته نماند که چهار معیار ولدووی در مورد عناصر مطابقت نفی صدق می کند؛ همچنین معیار چهارم (۵۱) در مورد عنصر قطبی ذاتاً منفی مانند "هرگز" که مفهومی منفی با خود دارد نیز به کار می رود. مانند:

- "مبادا بعد از مدرسه بری سینما؟"

- "هرگز [نمی رم / برم اون جا]"

در این جمله، عنصر قطبی "هرگز" می تواند به عنوان پاسخ محذوف به کار رود و از آن جایی که این عنصر می تواند در دو بافت مثبت و منفی به کار رود (هرگز نمی رم / برم اون جا)، یک عنصر قطب منفی است.

۴. روش شناسی

۱.۴. روش گردآوری داده ها

برای ارزیابی میزان خطاهای زبان آموزان، پرسش نامه ای با جملاتی دارای قطب منفی به شرکت کنندگان داده شد. آزمودنی ها، برحسب متغیرهایی مانند سن، زبان مادری، زبان (هایی) که با آن

آشنایی داشتند و همچنین سطح آموزشی‌شان دسته‌بندی شدند. در ابتدا افراد غیر فارسی‌زبان مورد آزمون را به دو گروه تقسیم کردیم؛ گروه اول، غیر فارسی‌زبانانی با زبان مادری مانند چینی، کره‌ای، ژاپنی، انگلیسی، ترکی، عربی، هندی و آلبانیایی بودند و گروه دوم، غیر فارسی‌زبانان افغانی را در بر می‌گرفت که زبان مادری‌شان دری بود و به دلیل نزدیکی دو زبان فارسی و دری به یکدیگر، زبان فارسی را به خوبی درک می‌کردند. در این مجال، افراد مورد آزمون گروه اول را غیر فارسی‌زبان و دری‌زبانان را فارسی‌زبان در نظر خواهیم گرفت.

پس از انتخاب گروه‌ها، آن‌ها را به تفکیک جنسیت بررسی کردیم. در گروه غیر فارسی‌زبانان، ۳۹ درصد پاسخگویان، زن و ۶۱ درصد آن‌ها مرد بودند و در گروه فارسی‌زبانان، ۱۳ درصدشان زن و ۸۷ درصد مرد بودند. از نظر جنسیت، تعداد مردان در گروه فارسی‌زبانان بیشتر از گروه غیر فارسی‌زبانان بود. از نظر گروه سنی نیز در گروه غیر فارسی‌زبانان ۴/۳ درصد افراد، کمتر از ۲۰ سال، ۷۸/۳ درصد ۲۰ تا ۲۵ سال، ۸/۷ درصد ۲۵ تا ۳۰ سال و ۸/۷ درصد آن‌ها نیز ۳۰ تا ۳۵ سال داشتند و در گروه فارسی‌زبانان، صفر درصد افراد، کمتر از ۲۰ سال، ۸۷ درصد ۲۰ تا ۲۵ سال، ۸/۷ درصد ۲۵ تا ۳۰ سال و ۴/۳ درصد نیز ۳۰ تا ۳۵ سال داشتند. با توجه به این ارقام، رده‌ی سنی هر دو گروه تا حدودی یکسان است و رده‌ی سنی کمتر از ۲۰ سال را ۴/۳ درصد از گروه غیر فارسی‌زبانان تشکیل داده‌اند.

برای دو گروه زبان‌آموز غیر فارسی‌زبان و فارسی‌زبان، زبان مادری (غیر فارسی‌زبان - فارسی‌زبان) به‌عنوان متغیر مستقل و نمره‌ی آزمون "بررسی عناصر قطب منفی" به‌عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شد و در آخر با بررسی تعداد پاسخ‌های درست و نادرست افراد مورد آزمون و مقایسه‌ی خطاهای آن‌ها در دو گروه مذکور، با استفاده از نرم‌افزار اسپ‌اس‌اس داده‌های جمع‌آوری شده را تحلیل کردیم.

۲,۴. جامعه‌ی آماری

جامعه‌ی آماری در انجام این پژوهش، ۴۶ نفر از زبان‌آموزان غیر فارسی‌زبان (زن و مرد) در دو سطح متوسط و پیشرفته هستند که در موسسه‌ی دهخدا و همچنین دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) مشغول به تحصیل بودند. از میان این ۴۶ نفر که به صورت تصادفی انتخاب شدند، ۷۴ درصد مرد و ۲۶ درصد زن (یعنی ۳۴ مرد و ۱۲ زن) هستند. این گروه همچنین سنین مختلفی دارند؛ از جمله زیر ۲۰

سال، بین ۲۰ تا ۲۵ سال، بین ۲۵ تا ۳۰ سال و بین ۳۰ تا ۳۵ سال. در واقع از این میان، ۲/۱۷ درصد کمتر از ۲۰ سال، ۸۲/۶ درصد ۲۰ تا ۲۵ سال، ۸/۷ درصد ۲۵ تا ۳۰ سال و ۶/۵۳ درصد ۳۰ تا ۳۵ سال داشتند. در گروه فارسی‌زبانان، ۲۰ مرد و ۳ زن (۸۷ درصد مرد و ۱۳ درصد زن) دارای زبان مادری دری، و در گروه غیر فارسی‌زبانان ۳ زن و ۳ مرد چینی (۱۳/۰۴ درصد زن و ۱۳/۰۴ درصد مرد)، ۱ مرد کره‌ای (۴/۳۴ درصد مرد)، ۱ زن ژاپنی (۴/۳۴ درصد زن)، ۱ زن و ۱ مرد انگلیسی (۴/۳۴ درصد زن و ۴/۳۴ درصد مرد)، ۲ زن ترک (۸/۶۹ درصد زن)، ۱ زن و ۸ مرد عرب (۴/۳۴ درصد زن و ۳۴/۷۸ درصد مرد)، ۱ مرد هندی (۴/۳۴ درصد مرد) و ۱ زن آلبانیایی (۴/۳۴ درصد زن) حضور داشتند.

۳.۴. ابزار گردآوری داده‌ها

ابزار مورد استفاده در این پژوهش، پرسش‌نامه‌ای است با ۲۰ جمله‌ی پرسشی و خبری که دارای عناصر قطب منفی هستند. از گروه آزمون خواسته شد تا از میان ۲۰ جمله، درستی و نادرستی ۱۴ جمله‌ی اول را تشخیص دهند و ۶ جمله‌ی باقیمانده را که به‌صورت جای خالی داده شده بود، با عنصر قطبی و یا گروه فعلی مثبت یا منفی مناسب، کامل کنند.

۵. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

۱.۵. خطاهای زبان آموزان غیر فارسی‌زبان و فارسی‌زبان در جملات دارای عناصر

قطب منفی

برای بررسی درستی یا نادرستی فرضیه‌ی مطرح شده، مطابق آزمونی که از آزمودنی‌ها گرفته شد و نیز بر اساس پاسخ‌های درست و نادرست آن‌ها به پرسش‌ها، ابتدا میانگین و انحراف معیار میانگین نمرات دو گروه را به دست آوردیم و برای رسیدن به سطح معنادار آن‌ها، آزمون مقایسه‌ی میانگین دو گروه انجام شد (جداول ۱ و ۲). محاسبه‌ی میانگین نمرات آزمودنی‌ها نشان می‌دهد که میانگین نمره‌ی غیر فارسی‌زبانان (۱۵/۲۶) بیش از فارسی‌زبانان (۱۳/۸۶) است؛ بدین معنی که غیر فارسی‌زبانان خطای

کمتری نسبت به فارسی‌زبانان داشتند (جدول شماره‌ی ۱). جدول شماره‌ی (۲) نیز بیانگر آن است که اختلاف معناداری میان میانگین‌ها وجود دارد.

جدول ۱. نتایج میانگین و انحراف معیار میانگین نمرات

| انحراف معیار | میانگین | | |
|--------------|---------|----------------|-------|
| ۱/۶۷ | ۱۵/۲۶ | غیر فارسی‌زبان | نمرات |
| ۲/۵۵ | ۱۳/۸۶ | فارسی‌زبان | |

جدول ۲. نتایج آزمون تی برای اختلاف میانگین دو گروه (غیر فارسی‌زبان و فارسی‌زبان)

| اختلاف میانگین‌ها در سطح اطمینان ۹۵٪ | | | | اختلاف میانگین‌ها | سطح معناداری (دودامنه‌ای) | DF | T | سطح معناداری | F | آزمون لوین (برای تعیین برابری واریانس) | |
|---|----------|------------------|---------------------|----------------------|---------------------------------|-------|-------|---------------------|-------------------|--|--|
| حد بالا | حد پایین | واریانس برابر | واریانس نا برابر | | | | | | | | |
| ۲/۶۸۶۶۸ | ۰/۰۹۵۹۲ | ۱/۳۹۱۳۰ | ۰/۰۳۶ | ۴۴ | ۲/۱۶۵ | ۰/۱۳۳ | ۲/۳۴۵ | واریانس برابر | اختلاف میانگین | | |
| ۲/۶۹۲۶۴ | ۰/۰۸۹۹۷ | ۱/۳۹۱۳۰ | ۰/۰۳۷ | ۳۷/۸۶۱ | ۲/۱۶۵ | | | واریانس نا برابر | | | |

برای تعیین اختلاف میانگین‌ها، نخست با آزمون آماری لوین^{۲۰} و با استفاده از نرم‌افزار اسپاس‌اس به مقایسه‌ی واریانس دو گروه پرداختیم. نتایج آزمون ($t = ۲/۱۶۵$ و $\text{sig.} = ۰/۰۳۶ < ۰/۰۵$) نشان داد که اختلاف میانگین دو گروه غیر فارسی‌زبان (۱۵/۲۶) و فارسی‌زبان (۱۳/۸۶) معنادار است؛ بنابراین نتیجه، فرضیه‌ی برابری واریانس دو گروه نادرست است.

در رده‌ی نابرابری واریانس نیز سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ وجود دارد که بیانگر اختلاف میانگین نمرات دو گروه است و دو گروه در میانگین میزان خطاها در سطح اطمینان ۹۵ درصد با هم تفاوت دارند؛ به این معنی که دو گروه غیر فارسی‌زبان و فارسی‌زبان دارای خطاهای متفاوتی‌اند.

²⁰ Levin

۶. خطاهای آزمودنی‌ها

در این بخش، برای نشان دادن بیشترین درصد خطاهای آزمودنی‌ها، پاسخ‌های نادرست آن‌ها را در برخی از جملات دارای عناصر قطب منفی به تفکیک تفسیر کرده‌ایم.

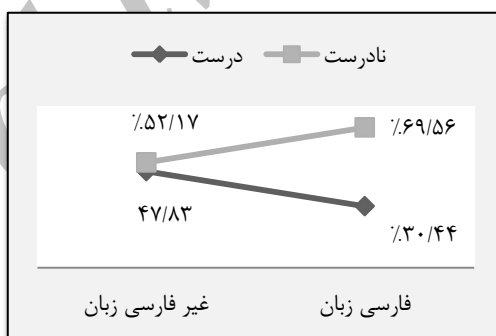
۱،۶ جمله‌ی دارای نشانه‌ی نفی "ن"

(۵۷) علی کتاب را نگاه نکرد و نخواند، ولی خرید.

محاسبه‌ی خطاهای دو گروه افراد مورد آزمون، با بررسی تعداد پاسخ‌های درست و نادرست آن‌ها نشان داد که میزان خطای فارسی‌زبانان (۶۹/۵۶٪) بیشتر از غیر فارسی‌زبانان (۵۲/۱۷٪) است (جدول شماره‌ی ۳).

جدول ۳. توزیع درصد نوع پاسخ غیر فارسی‌زبانان و فارسی‌زبانان به جمله‌ی (۵۷)

| جمع | نادرست | | درست | | |
|----------------|--------|--------|-------|--------|----|
| | تعداد | درصد | تعداد | درصد | |
| غیر فارسی‌زبان | ۲۳ | ۵۲/۱۷٪ | ۱۲ | ۴۷/۸۳٪ | ۱۱ |
| فارسی‌زبان | ۲۳ | ۶۹/۵۶٪ | ۱۶ | ۳۰/۴۴٪ | ۷ |
| جمع | ۴۶ | ۶۰/۸۷٪ | ۲۸ | ۳۹/۱۳٪ | ۱۸ |



نمودار ۱. توزیع درصد نوع پاسخ غیر فارسی‌زبانان و فارسی‌زبانان به جمله‌ی (۵۷)

این گمان وجود دارد که دلیل خطای افراد مورد آزمون در پاسخ دادن به جمله‌ی (۵۷) به علت پیش‌انگاری باشد؛ در واقع فرض بر این است که چنان‌چه بخش اول این جمله منفی باشد، بخش آخر آن نیز منفی خواهد بود؛ به این صورت که وقتی شخصی کتابی را نگاه نکند و نخواند، آن را نخواهد

خرید. همچنین به نظر می‌رسد که آن‌ها به مفهوم "ولی" و معنای تقابلی دو بخش جمله توجه نکرده‌اند.

۲,۶ جملات پرسشی مثبت و منفی

(۵۸) هیچ‌کس به شما رازش را گفت؟

(۵۹) تو هیچ‌وقت می‌تیم را ملاقات کردی؟

این نوع جملات، جمله‌های پرسشی بله/ نه‌ای هستند که در آن‌ها عناصر قطب منفی وجود دارد. در جملاتی مانند جمله‌های (۵۸) و (۵۹)، فعل‌ها به دو صورت مثبت و منفی حضور می‌یابند و در هر دو صورت، جمله‌ی ما جمله‌ای دستوری است (۶۰ و ۶۱):

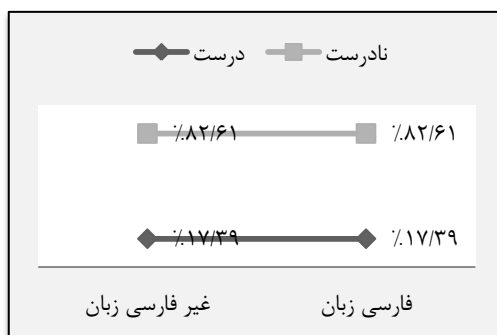
(۶۰) هیچ‌کس به شما رازش را نگفت؟

(۶۱) تو هیچ‌وقت می‌تیم را نکردی؟

طبق محاسبه‌ی انجام‌شده درباره‌ی میزان خطای افراد مورد آزمون در پاسخگویی به جمله‌ی (۵۸)، به این نتیجه می‌رسیم که پاسخ نادرست دو گروه غیر فارسی‌زبان و فارسی‌زبان (۸۲/۶۱٪) یکسان است (جدول شماره‌ی ۴).

جدول ۴. توزیع درصد نوع پاسخ‌های غیر فارسی‌زبانان و فارسی‌زبانان به جمله‌ی (۵۸)

| جمع | | نادرست | | درست | | |
|------|-------|--------|-------|--------|-------|----------------|
| درصد | تعداد | درصد | تعداد | درصد | تعداد | |
| ٪۱۰۰ | ۲۳ | ٪۸۲/۶۱ | ۱۹ | ٪۱۷/۳۹ | ۴ | غیر فارسی‌زبان |
| ٪۱۰۰ | ۲۳ | ٪۸۲/۶۱ | ۱۹ | ٪۱۷/۳۹ | ۴ | فارسی‌زبان |
| ٪۱۰۰ | ۴۶ | ٪۸۲/۶۱ | ۳۸ | ٪۱۷/۳۹ | ۸ | جمع |

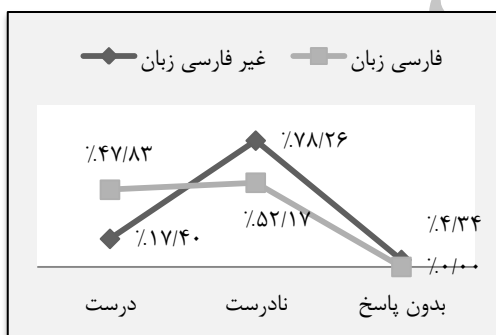


نمودار ۲. توزیع درصد نوع پاسخ‌های غیر فارسی‌زبان و فارسی‌زبانان به جمله‌ی (۵۸)

اما پاسخ افراد مورد آزمون به جمله‌ی (۵۹) نشان می‌دهد که میزان خطای غیر فارسی‌زبانان (۷۸/۲۶٪) بیشتر از فارسی‌زبانان (۵۲/۱۷٪) است (جدول شماره‌ی ۵).

جدول ۵. توزیع درصد نوع پاسخ‌های غیر فارسی‌زبانان و فارسی‌زبانان به جمله‌ی (۵۹)

| جمع | بدون پاسخ | | نادرست | | درست | | |
|----------------|-----------|-------|--------|--------|-------|--------|----|
| | تعداد | درصد | تعداد | درصد | تعداد | درصد | |
| غیر فارسی‌زبان | ۲۳ | ٪۴/۳۴ | ۱ | ٪۷۸/۲۶ | ۱۸ | ٪۱۷/۴۰ | ۴ |
| فارسی‌زبان | ۲۳ | ٪۰ | ۰ | ٪۵۲/۱۷ | ۱۲ | ٪۴۷/۸۳ | ۱۱ |
| جمع | ۴۶ | ٪۲/۱۷ | ۱ | ٪۶۵/۲۲ | ۳۰ | ٪۳۲/۶۱ | ۱۵ |



نمودار ۳. توزیع درصد نوع پاسخ‌های غیر فارسی‌زبان و فارسی‌زبانان به جمله‌ی (۵۹)

با توجه به این داده‌ها به این نتیجه می‌رسیم که هر دو گروه آزمودنی به‌گونه‌ای در جملات پرسشی دارای عناصر قطبی که هم با افعال منفی و هم با مثبت به کار می‌روند، با درصد بالایی از خطا دچار مشکل هستند.

۳,۶ جمله‌ی پرسشی با یک پاسخ منفی دارای عنصر قطب منفی

(۶۲) کسی آمد؟

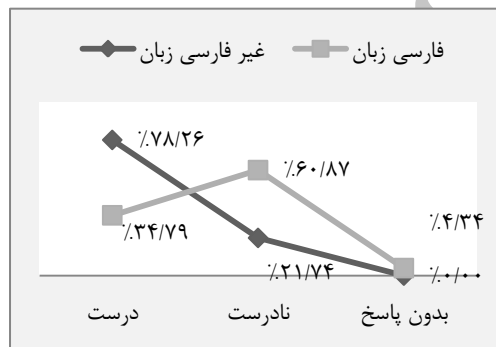
هیچ‌کس.

به ظاهر زبان‌آموزانی که این پاسخ را نادرست تلقی کرده‌اند، چنین پنداشته‌اند که "هیچ‌کس" نمی‌تواند پاسخ کاملی باشد.

بررسی پاسخ‌ها به جمله‌ی (۶۲) گویای این است که غیر فارسی‌زبانان (۲۱/۷۴٪) پاسخ نادرست کمتری نسبت به فارسی‌زبانان (۶۰/۸۷٪) دارند (جدول شماره‌ی ۶).

جدول ۶. توزیع درصد نوع پاسخ‌های غیر فارسی‌زبانان و فارسی‌زبانان به جمله‌ی (۶۲)

| جمع | بدون پاسخ | | نادرست | | درست | | |
|----------------|-----------|-------|--------|--------|-------|--------|----|
| | تعداد | درصد | تعداد | درصد | تعداد | درصد | |
| غیر فارسی‌زبان | ۲۳ | ٪۰ | ۰ | ٪۲۱/۷۴ | ۵ | ٪۷۸/۲۶ | ۱۸ |
| فارسی‌زبان | ۲۳ | ٪۴/۳۴ | ۱ | ٪۶۰/۸۷ | ۱۴ | ٪۳۴/۷۹ | ۸ |
| جمع | ۴۶ | ٪۲/۱۷ | ۱ | ٪۴۱/۳۱ | ۱۹ | ٪۵۶/۵۲ | ۲۶ |



نمودار شماره‌ی ۴. توزیع درصد نوع پاسخ‌های غیر فارسی‌زبان و فارسی‌زبانان به جمله‌ی (۶۲)

در نهایت با بررسی خطاهای دو گروه مورد آزمون، به این نکته دست یافتیم که آن‌ها به نقش تقابلی "ولی" در جمله توجه نکرده و آشنایی چندانی با جملات پرسشی بله/ نه‌ای ندارند؛ همچنین عنصر قطبی را به تنهایی به‌عنوان پاسخ کامل در نظر نمی‌گیرند.

۷. نتیجه‌گیری

در این پژوهش به بررسی خطاهای فارسی‌آموزان غیر فارسی‌زبان در جملات دارای عناصر قطب منفی پرداخته شد. همان‌گونه که پیش‌تر نیز بیان گردید، عناصر نفی در زبان فارسی به صورت‌های مختلف "نا... صرفی"، "ن" صرفی و به صورت واژگانی به کار می‌روند. نشانه‌ی نفی "ن" به فعل جمله متصل شده و به جمله مفهوم منفی می‌دهد. مانند: باران نیامد. بررسی‌های صورت گرفته در مورد عناصر قطب منفی در جملات خبری نشان می‌دهد که این قبیل عناصر صورت‌های متنوعی دارند؛ از جمله

می توان به این موارد اشاره کرد: حرف اضافه‌ی "بدون"، افعال "شک داشتن"، "انکار کردن" و "تفرد داشتن" و عناصر ذاتاً منفی "به ندرت"، "به سختی"، "محال بودن" و "بعید بودن" که می توانند در هر دو بافت مثبت و منفی وجود داشته باشند.

در برخی موارد با حذف عنصر ذاتاً منفی از جمله، باز هم جمله‌ای دستوری خواهیم داشت. مانند آنچه در این جمله می بینیم: "او به ندرت عصبانی نمی شود/ می شود (او عصبانی نمی شود/ می شود)". وجود سورها و قیدهای منفی، دلیل همراهی فعل جمله با پیشوند نفی هستند و در صورت وجود فعل کمکی، این پیشوند نفی به فعل کمکی می پیوندد. مانند این نمونه: "او هیچ وقت به اصفهان نخواهد رفت". عناصر قطب منفی در جملات پرسشی نیز به هر دو صورت مثبت و منفی ظاهر می شوند. مانند: "هیچ وقت نمی ره اون جا؟/ هیچ وقت می ره اون جا؟"

علاوه بر این موارد، نفی در چند دسته‌ی نفی چندگانه در گروه‌های مختلف نفی دوگانه، نفی تضعیف کننده و مطابقت نفی نیز وجود دارد که پیش از این توضیحاتی در این زمینه ارائه شد. در این پژوهش به این نتیجه رسیدیم که زبان آموزان زبان دوم با مشکلاتی در خصوص یادگیری این گونه عناصر قطبی مواجه می شوند که با توجه به داده‌های ارائه شده در این پژوهش، علت این مشکل را می توان مواردی از این دست دانست: وجود پیچیدگی‌ها و استثنائاتی در کاربرد عناصر قطب منفی و متفاوت بودن زبان‌های مختلف از نظر دستور زبان و الگوی ترتیب کلمات. در این پژوهش با در نظر گرفتن این فرضیه که مشکلات و خطاهای زبان آموزان غیر فارسی زبان در جملات دارای عناصر قطب منفی یکسان هستند، به بررسی خطاهای زبان آموزان در تکمیل و یا پاسخ دادن به جملاتی با عناصر قطب منفی پرداختیم. برای بررسی درستی و نادرستی فرضیه خود، از آزمون مقایسه‌ی میانگین دو گروه استفاده نمودیم. ابتدا واریانس دو گروه را مقایسه کرده و سپس با توجه به نابرابر شدن واریانس دو گروه، به این نتیجه دست یافتیم که خطاهای غیر فارسی زبانان و فارسی زبانان تفاوت معناداری دارد. در رده‌ی نابرابری واریانس، سطح معناداری آن برابر با رقم ۰,۰۰۳ شد که این رقم، اختلاف میانگین نمرات دو گروه را نشان داد. بنابر این داده‌ها، فرضیه‌ی ما مبتنی بر این که مشکلات و خطاهای زبان آموزان غیر فارسی زبان و فارسی زبان در جملات دارای عناصر قطب منفی

یکسان است، فرضیه‌ی نادرستی بود؛ زیرا همان‌گونه که بیان شد، خطاهای غیر فارسی‌زبانان و فارسی‌زبانان متفاوت هستند.

منابع

- شقاقی، ویدا. (۱۳۷۳). "کمی‌نماها در ترجمه" مجموعه مقاله‌های دومین کنفرانس بررسی مسائل ترجمه. تهران: انتشارات دانشگاه تبریز.
- دبیرمقدم، محمد، صدیق ضیابری، رویا، و آریتا جعفری. (۱۳۸۴). "تحلیل جایگاه عنصر نفی در زبان فارسی در چارچوب برنامه‌ی کمینه‌گرا" مجموعه مقاله‌های نخستین همایش انجمن زبان‌شناسی ایران.
- کمال‌خالدی، مریم. (۱۳۸۶). پردازش عناصر قطب مثبت و منفی در زبان‌پیشانی فارسی‌زبان و زبان‌آموزان غیرفارسی‌زبان. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.
- لازار، ژیلبر. (۱۳۸۴). دستور زبان فارسی معاصر. ترجمه‌ی مهستی بحرینی. تهران: انتشارات هرمس.
- ماهوتیان. شهرزاد. (۱۳۷۸). دستور زبان فارسی از دیدگاه رده‌شناسی. ترجمه‌ی مهدی سمائی.

- Crystal, D. (2003). **A Dictionary of Linguistics and Phonetics** (5th ed.). Blackwell Publishing.
- Horn, L. (1989). **A Natural History of Negation**. Chicago: University of Chicago Press.
- Kwak, S. (2010). "Negation in Persian" **Iranian Studies**, Vol. 43(5): 625-627.
- Szabolcsi, Anna; Lewis Bott; Brian McElree. (2008). "The Effect of Negative Polarity Items on Inference Verification" **Journal of Semantics**.
- Vasishth, S., Heiner, D., Douglas(Potsdam), S. & Richard(Michigan), L. (2005). "Processing negative polarity". **CUNY Sentence Processing Conference**, Tucson, Arizona, March 31.
- Wander Wouden, T. (1994a). "Negative Contexts" **Diss. Rijksuniversiteit Groningen**.
- Zeijlstra, H. (2004). **Sentential Negation and Negative Concord**. Netherlands: LOT.